

فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

شماره پیاپی ۵۱ - دوره دوم ، شماره ۳۴ - سال ۱۳۹۳

مقاله شماره ۶- صفحات ۱۱۹ تا ۱۳۰

رد و هنر تصمیم گیری

دکتر علی ذکاوتی قراگزلو^۱

چکیده

هدف مقاله شناسایی سبک مدیریت یکسویه و نیز خرد و هنر تصمیم گیری و رابطه آن با نوع رفتار کنشگران در سازمان است. مفروض است که اصل بر تعادل است موفقیت هر نهاد و سازمان مشروط است به توازن پویای آن که مأموریت، اهداف/آرمان ها /آرمان ها، و استراتژی، سیاست ها، برنامه های اجرایی، دستگاه های مسئول، دستگاه همکار ارزشیابی کارآمد و موثر را بخوبی هماهنگ سازد. روش مطالعه تحلیلی توصیفی؛ انتقادی است و در مقام روش ارائه تجویز و راهبرد: ارزشیابی و سنجش راهبرد و کارآمدی عملی متعادل و هم افزایی معیار مورد نظراین نوشته است. یافته ها: ناموزونی بین مدیریت با فرهنگ سازمانی یا غلبه رویکرد مدیریت یکسویه تهاجمی و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره کشی لجام گسیخته از سرمایه، فرصت ها، موقعیت ها و امکانات است که اثربخشی سازمانی را به خطر می اندازد. و گاه استیصال و درماندگی در برابر ترجیحات مدیریت یکسویه نگر، منطق کوتاه مدت بازار و "سیستم" مانع از پیگیری نقد همه جانبه و توسعه مداوم معضلات است. در مقام جستجوی راه حل آموزه های سنت تفهیمی (درکی) و نیز مابعد ساختگرا همراه با نقد ایجابی و توسعه و توصیه های کاربردی، میانجیگری توانمند سازانه، می تواند نظر قرار گیرد.

توصیه: راهبرد قابل توصیه آنست که مدیریت پیوند- محور با تدارک هماهنگی عمل و آگاهی کنشگران درک بهتر و کارآمدتری از موقعیت و ضرورت های فراموش شده، این هماهنگی را برای خرد و هنر تصمیم گیری به دستور روز تبدیل کند. با درک و رفع سکوت سازمانی و قلدری سازمانی و کوری سازمانی را به پیش مشترک، تبدیل کنند. که یکی از امیدهای مهم برون رفت از بحران انگیزش، امکان انتخاب اخلاقی و سبک تصمیم گیری است.

واژه های کلیدی: مدیریت فن شیفته، تصمیم گیری، ساختار سازمانی، منحصر وظیفه گرا، خرد و هنر تصمیم گیری.

^۱ دانشیار دانشگاه خوارزمی. zekavati@chmail.ir

مقدمه و هدف

سیاست پژوهی حلقه های مقفوده از ایده تا اجرا و توصیف قابل قبولی از هفت گام را به دست می دهد. (جاودانی، ۱۳۹۲). برای شناخت ملاحظات مربوط به کنش سازمانی باید جریان موجبیت چندجانبه و طرح الگوی قیاسی و علی و نیز "فرضیه واکنی" در باره عمل و اقدام مشترک و فضای تعاملی را مد نظر قرار دهد. در این جا فقط به بنیادهای شیوه های تصمیم گیری اشاره می شود: دیدگاه تقلیلی نسبت به انسان و نیز دیدگاه بسیار تخصصی شده و تکه تکه شده نسبت به ماموریت های سازمان ها و در نتیجه غلبه "ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا" و مدیریت فن شیفته^۱ و دیدگاه رقیب به نام خرد و هنر تصمیم گیری.

پیش از هر چیز باید از دام ساده سازی و تقلیل رضامندی، بهبود و ارتقای سازمانی، اجرایی، اداری و اجتماعی به اقدام یک بعدی و اداری و سازمانی و "مقررات" یا قواعد عام و عقلانی و بی طرفانه (به تعبیری همان ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا و مدیریت/ تصمیم گیری فن - شیفته) آگاه بود.

قواعد عام اخلاقی، بی طرفی و عقلانیت (و به ویژه عقلانیت صوری) کافی نیستند. عقلانیت محتوایی^۲ و اخلاق مراقبت^۳ هم از عوامل و انگیزه هایند و توجه به کیفیت های جزئی، افقی، قاعده ناپذیر، تکرر موقعیت ها، انگیزه ها، نشانه ها، نمادها و گیر و دارهای عاطفی و هیجانی هم ضروری است و موقعیت های سیال، "شخصی"، پیچیده، "باز"، کیفی و دارای وجهه بسیار ند و باور ها و ارزش ها را صورت بندی می کنند. این صورت بندی ها می توانند بینش مشترک، ماموریت مشترک و عمل و اقدام مشترک را هم تشکیل بدهند.

انتخاب ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا و نیز اکتفا به منطق اقتصادی و عقل صوری^۴ حتی به نابهره وری یا حتی زیان و عقب گرد منجر می شود. زیرا با یک بعدی شدن مناسبات کاری و مدیریت، رابطه عمل و نظر گسسته و مسئولیت کلی بلاموضوع یا معوق می شود. ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا، دلالت "تمام مکانیستی" دارد. و از منظر انسان گرایانه مطلوب نیست. اما یکی از نظریه های رقیب، خرد و هنر تصمیم گیری، می کوشد از تنگنای ساختار منحصراً وظیفه ای رها شود.

نظریه ها نیز باید این جنبه ها را ندیده نگیرند. مثلاً می توان گفت راه های برون رفت و رفع فقر الگوی تصمیم گیری از دید اخلاق فایده گرایی^۵ (که از اقسام رویکرد نتیجه گراست) چنین است که گردآوری، داوری و ارزشیابی با انتظارات و تعهدات گروه های مردم گره بخورد. منتقدان این نظریه را در استیفای عدالت ناکام دانستند زیرا بسیار محرومان در طبقه بندی فایده گرایان جای نمی گیرند به قول رالز اعمال عدالت و انصاف نقطه شروع توانمند حداقل است. ضروری است که ترکیب و آمیزه و امتزاج هم افزا و ظرفی از اهداف/آرمان ها با ابزارهای رسیدن به آنها (ابزارهای فرهنگی) به ویژه در تعارض ها صورت گیرد تا بیگانگی های ساختاری و گسست های اجتماعی را بتوان مدیریت کرد. مثلاً پیوند پیوند خردمندانه بین اقتصاد و تعلیم و تربیت، در چارچوب "اقتصاد یادگیرنده" ضرورت دارد.

فرایند تعامل سازه های مادی با سازه های فرامادی^۶ و هماهنگی ابزارها با آرمان ها/هدف ها، نیازها پیچیده و چند لایه است. ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا و نیز منطق اقتصادی مبتنی بر بهره وری لجام گسیخته و راه های برون رفت، کاری خردمندانه، هنری و جمعی است. رهایی از تقلیل گرایی/ مکانیستی مبتنی بر تواضع محققانه، خرد و حکمتی است. ظاهراً این رهایی، با کنش ژرفانگر و سیال سازی و هم جوشی افق ها، فرایندها و محتوای بدیل ها و حرکت به سوی عمل/اقدام اشتراک وفاق و هم افزایی صورت می گیرد.

برای کسب رضایت همگان از جمله محرومان و رانده شدگان به مثابه گروه های هدف، ترکیب و آمیزه و امتزاج هم افزا و ظرفی از اهداف/آرمان ها فرهنگی با ابزارهای رسیدن به آنها (ابزارهای فرهنگی) فراهم آید تا بیگانگی ها و گسست های اجتماعی ساختاری^۷ و بی روح "نبودن فرایند ها و برون داد ها و جزم گرایی را بتوان مدیریت و چاره کرد و به تامین پایداری اجتماعی دست یافت. مطالعه کوشش ها و پوشش های معطوف به بهسازی و اصلاح اجتماعی و به ویژه حرکت از تصورات ایده آل به سوی تحقق سازمان ممکن در "دنای ممکن" و واقعاً موجود یکی از منابع درس آموزی و نیز عبرت گیری خواهد بود. تحلیل گفتمان^۸ باید هر گونه آمریت پنهان و ضد تعاملی را روشن سازد.

رویکرد این نوشته رضامندی، بهبود و ارتقای سازمانی، اجرایی، اداری و اجتماعی بر پایه اخلاق و معنویت، عدالت، سلامت و نشاط، منزلت، اعتبار و کارآمدی است. این معنای دیگری از سرمایه روان شناختی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی (موجود و نیز قابل تحقق در آینده) است. مجموعه هنجارها و ارزش های مورد قبول گروه اجتماعی

^۱ Technophilia^۲ Substantial reason^۳ Ethics of care^۴ Formal reason^۵ Utilitarianism^{۱۱} Post-material^۷ Discourse Analysis

است. در نظریات جدید سرمایه اجتماعی روابط انسان‌ها و اعتماد است. راهبرد مهم این است که با تکیه بر هم هدف و هم خروجی برنامه ریزی‌های کلان را از طریق همکاری پرشور دائم، یادگیری وجدآمیز و دائم، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نقد، کارآمدتر ساخت

کنشگران و ذی‌نفعان (عاملان حاملان)، در فرایند برنامه ریزی (طراحی، اجرا و ارزشیابی) ممکن است با یکدیگر دچار تعارض شوند و این عاملان راهی ندارند جز اینکه خلأ قانه و مسالمت‌جویانه به مدیریت تعارض به شیوه برنده - برنده (در داخل و خارج خانواده، محیط کار و آموزش و محیط‌های باز تعامل، احزاب، میانجیگری، مذاکرات، گفتگوها و کنفرانس‌ها و غیره) توفیق یابند. مسالمت‌جویانه بدین معنی است که خشونت ساختاری و فرهنگی مندرج در وظیفه گرای/عقلانیت ابزاری کنار گذاشته شود.

تعبیر ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا و مدیریت/تصمیم‌گیری فن - شیفته، بیانگر اجرای دلالت‌های رویکرد الگوریتمی (روندی عملی) است با این اوصاف: تأکید بر وجوه مادی عناصر، تشخیص خطوط اصلی و فرعی، پیش‌بینی پذیری، کاربردی بودن، شفاف بودن، بهبودبخشی، به اندازه و متناسب (ازجمله زمان بندی مناسب)، تأکید بر مصادیق بهینه، کمیت پذیر، دقیق و ریاضی، و ارزشیابی پذیر بودن امور و یا محصول و خروجی. بعضی مغالطه‌ها، خطاها و تحریف‌های احتمالی را می‌توان در متونی چون نوشته‌های اسکات بازشناخت (اسکات، ۱۳۸۳). در اینجا بارزترین ممیزه‌ها و مفروضات ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا یاد شده، شبکه معانی منبع یا مبدأ اند (برگرفته از سایت grammar.about.com). تطبیق شبکه معانی هر استعاره مکانیستی، می‌تواند به آسانی سبب غفلت از منطق چند گانه زنده زندگی، رابطه ساختار-کنشگر و کنش انسانی و فرهنگی شود.

در استعاره‌ها، شبکه معانی منبع یا مبدأ - از راه تناظر-بر شبکه معانی مقصد تحمیل می‌شوند و معانی هم دچار مغالطه، خلط، ابهام و التباس می‌گردند. منطق و مفروضات ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا/ متکی بر عقلانیت ابزاری، شبکه معانی مبدأ اند. این معنی مبتنی بر عقل ابزاری، تقسیم کار برحسب ساختار وظیفه‌ای و امکان و مشروعیت کنترل بر انسان و بر جهان است. اگر کار ذهن و ارزش‌های، معنوی و کرامت انسانی حرمت و رشد عقلی و معنوی، شبکه معانی مقصد به شمار آیند آن شبکه معانی با این مقصد سازگار نیستند درک شبکه معانی مقصد به عقلانیت اصولی/ابزاری، محتوایی و نیز به خرد و هنر تصمیم‌گیری بستگی دارد. مطلق کردن و یک بعدی کردن ساختار وظیفه‌ای از منظر انتقادی، در روندی متناقض با هدف، به کوری سازمانی، سکوت سازمانی، فلج زندگی، فروبستگی اختیار و قدرت انتخاب، تصرف نامحدود و نسنجیده بر همه چیز و کم ارج نهادن به حرمت و ابتکار بشری انجامیده است.

مفروض این است که تصمیم‌گیری/مدیریت خود در گرو فهمی ایجابی و توسعی و رهایی بخش از ساختارها و رابطه ساختار-کنشگر است. آرمان توسعه در آفاق هستی از راه شناخت علمی و تصرف در آن به دستیاری فناوری در چارچوب خرد و هنر تصمیم‌گیری در عاملان به قدر کافی و به تعداد کافی آنان تحقق نیافت و از همین روی منتقدان بر آنند که دلدادگان و افسون‌شدگان توسعه و تجدد، اخلاق و آداب انسان عصر نو را با "توسعه اشیا" و توسعه کالبدی، ارزان سودا کردند.

فرض (البته مناقشه انگیز) تکنوکراسی و بوروکراسی مطلوب این است که باید سرویس دهنده خوب باشند نه دستور دهنده. اولین علامت موفق نبودن، مولد نبودن اندیشه در تولید کیفیت‌های یاد شده، اکتفا به رویکرد سخت افزاری در تصمیم‌گیری/مدیریت جامعه و نهادها و نبود توجه کافی به تناسب مشخص ابعاد مادی و بعد فرامادی امر اجتماعی است. این وضعیت سبب تکرار و بازتولید فقر الگو و ازجمله فقر الگوی مبانی اجتماعی و اخلاقی خرد و هنر تصمیم‌گیری می‌گردد. میزان موفقیت را با انگیزه و توانایی در ایجاد و گسترش وفاق اجتماعی و فرایندهایی سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تفاهمی خردمندانه و هنرمندانه سنجید. در سطوح فردی، و در سطوح جمعی و اجتماعی در نهادهایی مانند قوه قضاییه، وسایل ارتباط جمعی، آموزش و پرورش، نهادهای قانون‌گذاری، شبکه سازمانی (در سطوح تشکیلاتی و تخصصی) و فرایند جذب و پذیرش یافته‌ها و توصیه‌های آن در سطوح فرهنگ عمومی) میدان عمل اند.

در گزینه خرد و هنر تصمیم‌گیری، جلب شرکت، سازگاری فعالانه و همکاری دائم و یادگیری عمرپای/عمرآزگاریا عمرپیما^۱ ذی‌نفعان ضروری است. از دید حوزه مطالعات فرهنگی برای پشتیبانی خرد و هنر تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری راهبردی از پوزیتیویسم و دو انگاری‌های رایج و غیر ضروری "ذات

1 David Scott

یادگیری عمرپای/"عمر آزرگار"، "و" زندگی پیما" و "عمر پیما 6-life-time-learning

باوری "مرسوم از" هسته سخت "مرزها فراتر می روند واز تعین های انضمامی "ثابت" و "دائم" پیش بینی پذیر به سوی کیفیت ها، فرایندها، مطالعه ارزش هاو دانایی حرکت می کنند همه چیز را در مورد فرد، فرهنگ و جامعه نمی دانیم. "حکمت" دانش ضمنی و پنهان بومی، فناوری سبز، هدف ها، میانی، نمادها همراه و در حین عمل وکنش اجتماعی و توجه به انواع عقلانیت و خردو هنر تصمیم گیری مدام غنی می شوند.

حافظه فرهنگی در برخی از تعینات، نهادها، سازمان ها، ساختارهای عینی، ساختارهای حقوقی و عرفی انتزاعی و در ساختار ذهنی، "شخصیت" و منش غالب برکنشگران و ذی نفعان، مشاهده یا فهم می شود. اثر گذاشته. مثلاً در گنجینه های فرهنگی یونان و روم قدیم کتب افلاطون و ارسطو، اندیشه های مارکوس اورلیوس، و در فرهنگ های آسیا ارزش های تاریخی چون اندیشه چهار اصل ئی چینگ (داگلاس، ترجمه فضایی. ۱۳۶۲) یعنی مالکیت، عدالت، صداقت و نجات ویا "هماهنگی" مورد نظر کنفوسیوس، منسیوس ومودزو(بزرگان پس از او) انسانیت، حکومت انسانی، بی آزاری ومهر به همه (می توان اشاره کرد. در "فرمان کورش"، پندنامه اردشیر بابکان^۱، مجموعه نهج البلاغه، و در شاهنامه فردوسی، سلطان نامه ها، درکتب اخلاقی، اندرزنامه ها، پندنامه ها، سیرالملوک و نصیحه الملوک، و در فابل هایی چون کليلة و دمنه نیم مفاهیمی در باره مدیریت و سیاست مدن مطرح است.

در عصر نو دو مکتب مهم وظیفه گرایی اخلاقی (عقلانیت کانتی) و نتیجه گرایی اخلاقی (عقلانیت فایده باورانه بنتام، میل) صورتبندی و مصطلح شده. با توسعه و ارتقا و اعتلای عقلانیت کانتی، برآمدن گفتگو و تعامل ذی نفعان وتکنر مبنای کار قرار گرفت. از جنبه رویکرد سیاسی- اجتماعی، تلفیق عملگرایانه ای از وظیفه گرایی و نتیجه گرایی ومتناسب با کمونیتارینیسیم موضوع روز است. مدیریت خدمتگزار جنبه ای از خرد و هنر تصمیم گیری و "اقتصاد یادگیرنده" جنبه ای از عقلانیت صوری/ ابزاری را عرضه می کند: راه حل هایی "مدرن"، "روشنگرانه"، "علمی" و دارای "مشروعیت قانونی" تمدنی و جهانی. اما آنچه "سیاست زدگی"، خوانده می شود از کژکاری های و سوء رفتار با عقلانیت محتوایی و ارزش های اساسی و بازی ناهنجار با "مشروعیت قانونی و انسانی" واز موانع سبک های مدیریتی دموکراسی است

خرد و هنر تصمیم گیری از ضرورت های موقعیت های پیچیده و ازدلشغولیهای مشترک عالمان و کنشگران است. پایه های نظری رویکردها و عرصه های متنوع مدرنیته از فناوری (که باتقسیم کار پیوند متقابل دارد) شاید با توصیف مارتین هایدگر تناسب دارد که تکنولوژی یک وسیله نیست بلکه شیوه ای از آشکار کردن چیزها است و جهت گیری خاص با حقیقت است. و سروری بر چیزها و چگونگی رخصت عیان شدن آنها (هایدگر^۲، ۱۳۷۳). امروز رابطه ساختار- کنشگر درگیر با با لایه های مرتبط ومتداخلی است که غفلت از آن رابطه عمل و نظر را می گسلد ومسئولیت کلی انسانی را بلاموضوع یا معوق میسازد.

همگرایی آرمانهای هستی شناختی یا "اعتباری حقیقی" برآمده از اخلاق فضیلت-مدار و ارزش های ثابت دائم مطلق با سنت های ملی و قومی تاریخی از سوی دیگر در شرایط ساختار سازمانی منحصرا متکی بر وظیفه گرایی/عقلانیت ابزاری متزلزل ودگرگون می شود و با شاخص ها و نشانگان فرهنگی مدرنیته مانند "موفقیت" و "پیشرفت" بی امان، رقابت و تعارض جانفرسایی شکل می گیرد و ارزش های دیگر مغفول می ماند. درچشم انداز تاریخی، مدیریت سازماندهی توسعه است که پروژه ای محدوداندیشانه برای یکسان سازی به وسیله ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا واز بیرون. این تکنوکراسی و این سبک مدیریت فن شیفته ویکسونگر است. اما در مورد ایران، چنانکه بعضی محققان مثلاً میرسپاسی اظهارنظر کرده اند، گفتمان مدرنیته به مدرنیزاسیون و به توسعه وآن هم به دست دولت، فروکاسته شد و روایت روشنفکران و دولتمردان تفاوت چندان نداشت (میرسپاسی، ۱۳۸۱).

مفهوم ساختار سازمانی منحصرا متکی بر وظیفه گرایی/عقلانیت ابزاری و سازه مرکب از مولفه های تقسیم کار، ضرورت ها و الزامات فنی وسپس "توسعه" وبرنامه ریزی و تصمیمگیری/مدیریت، همراه و گاه مترادف بوده اند. بوروکراسی /دیوان سالاری مشروع باآرمان توسعه مطلق وخود فرمان فراهم نمی آید و الگوی آن باید عادلانه و تعاملی باشد. گزینه بدیل، مبانی اجتماعی خرد و هنر تصمیم گیری دیگر و خردی نافذ تر همراه با انگیزش

^۱ اندرزنامه ی اردشیر بابکان را ابوعلی مسکویه فیلسوف اخلاق به زبان عربی ترجمه و فردوسی آن را به زبان شعر باز گفته است. راستی، دوراندیشی، آبادگری، مهرورزی، تامل ومحاسبه در کار خویش سختگیرانه تر از دیگران، پرهیز از چاپلوسان، پاسداری فرهنگ، میانه روی و پرهیز از اسراف، برای زنی با مردم آداب مدیریت این اندرزنامه است.

^۲ Hidger

خرد و هنر تصمیم گیری 123

(تجربه روانشناختی "سیالیت"^۱ و تجربه "اوج"^۲ جامعه پذیری) را در مرکز توجه قرار می دهد. کوششی برای تلفیق عمل و نظر خردمندانه در مسیر پیشنهاد یک الگوی هنجاری و تجویزی بدیل به سوی "جامعه مهربان" ضروری است: برای گره گشایی مبتکرانه و ایجابی از فروبستگی ها، نیازمند آموزه های توانمند سازانه و کاهش خشونت ساختارها نسبت به کنشگران و تنظیم رابطه ساختار-کنشگر و گسترش تاثیر عامل^۳ هستیم.

خرد و هنر تصمیم گیری ارزش ها (اخلاقی و زیباشناختی) در گام های اول به کاهش خشونت ساختارها و گسترش تاثیر عامل^۴ و به تحول در ساختارها می پردازد از چانه زنی متعارف بر می گذرد و به کنشگری زنده، مبتکرانه و ایجابی و باتوانایی و انگیزه امتزاج و ارتباط افقهای گروههای ذی نفعان و وفاق می رسد. از کنش مدیریت ریاست مآب، خاص گرایانه، فن سالارانه نظم مکانیکی فراتر می رود و راه بینش و اقدام جمعی برای تحول نهادی و نظم و وفاق، امکان رابطه سازنده بین نظم دموکراتیک و تغییر عمل بسیار سنجیده و همواره غیر تهاجمی را در طی ک. ششی توافقی فراهم می آورد. انتظار می رود که با پرهیز از اکتفا به مدیریت وظیفه گرا برنامه ریزی تعاملی، مشارکتی و مسئولانه مبتنی بر نفوذ و میانجیگری خرد اجتماعی، وفاق ذی نفعان کنش و اتخاذ برای ادراک محیطی بهتر کنجهای همدلی، اخلاق مراقبت، و زوایا و لایه های پنهان اما فعال پدیدارهای زندگی کنشگران، "ساخته شود". در افق وسیع، توجه مشخص به بعد فرامادی و در سطح کنش فردی و اجتماعی، اخلاقی خرد و هنر تصمیم گیری در بعد اکولوژی انسانی و غیر فیزیکی شامل سازه هایی چون معنویت است مشتمل بر: معناجویی، روابط پرمعنا، هدفمندی و دانش تعالی. این رویکردی است که چشم اندازی بلند دامنه از اهداف/آرمان ها، پیشایندها فرایند ها و پیایندها ترسیم می کند به "هدف شناسی" امر انسانی به این پرسش ها می پردازد: رابطه حرمت و شان^۵ انسان و سبک های تصمیمگیری در چشم انداز امکان انتخاب اخلاقی با نگاهی به علوم انسانی و میان رشته ای چگونه است. آیا انسان یکی از عوامل تولید و عضوی از سازمان است؟ آیا مهم ترین است؟ یا اینکه انسان فراتر و برتر از آن است؟ شناخت، تا خرد و هنر تصمیم گیری و در مراتب بالاتر، تحول به سوی دیدگاه نقدپذیر و ارزشیابی توانمند ساز ادامه دارد.

اگر کنشگران فردی و سازمانی در مسایل رابطه ساختار-کنشگری، با سلامت و مسئولانه و عاشقانه به خرد و هنر تصمیم گیری دست بزنند، می توانند برای کاهش معنی دار هر دو گونه خطای فنی و انسانی کاهش دهند. در جامعه انسانی هم اگر سقوط یا اختلالی هست مثلاً اینکه فقر و مسکنت^۶ هم که به کشتار آرام خود ادامه می دهد، ناشی از ناکارکردی نظام اخلاقی و نظام قانونی است.

با تلقی جهان به مثابه یک ماشین، رویکرد کنترل فن سالارانه، خاص گرایانه، و مکانیستی، فن پرستانه^۷ و نظم مکانیکی حتی از عرصه کارآمدی به عرصه حقانیت پا گذاشت. با مدرنیزاسیون، طرح مسائل ادراک محیطی، به مشروعیت و حتی سلطه نامحدود "ترقی طلبانه" بر جهان، و نیز تشدید "غیریت سازی"^۸ انجامید. در عرصه چهار خرده نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رویکرد وظیفه -مداری در مدیریت، همانا معلق گذاشتن ظاهراً معصومانه این غیریت سازی است که تا نیست انگاری هم می توان آن را بسط داد. مطلق شدن "مذهب پیشرفت"، مدرنیزاسیون متهم شده که آن آرمان ها را کالایی، عقیم و اسیر خودفرمانی، مصرف گرایی کرده است. با راهبرد بنیادی تقلیل گرایانه در عمل به دولت گرایی تمامت خواه در عصر نو انجامید (ویلارد^۹، ۱۹۹۲). مسایل اخلاقی مدرنیزاسیون از دلمشغولیهای مشترک کنشگران از نیمه دوم قرن بیستم و قرن بیست و یکم است.

این ها خاصیت و جنبه ها به اشکال مصیبت بار، نا اطمینانی و "سیال" و پر خطر مدرنیزاسیون اندو دورکیم، وبر، زیمل، الیاس، بک، ایوان ایلیچ، تافلر و به ویژه پست مدرن ها (مثلاً زیگمونت باومن) و فیلسوفانی چون هایدگر، گادامر، ریکور، لویناس بدان پرداخته اند. "علقه انسانی" (تعبیر هابرماس) مطرح در علوم

¹ Flow

² Peak

³ Agent

⁴ Agent

⁵ Dignity

⁶ Miserability

⁷ Technophilia

⁸ Other making

⁹ Willard

انسانی کوششی برای رهایی از این اسارت و عسرت و تنگناها است.

روش شناسی مطالعه

رویکرد برنامه هاو ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا راهی سخت گیرانه^۱ پیموده اند. این راه، امکان ها، بدیل ها و حدود عمل را جزم گرایانه و خاص گرایانه را شناسایی و تعریف می کند. اما گزینه های بدیل مانند اخلاق مراقبت^۲، و اخلاق^۳ عشق (تجربه روانشناختی "سیالیت"^۳ و تجربه "اوج"^۴ جامعه پذیری) مفاهیم هم خانواده اند. عشق کنشگر را از راه اعتلای شور و جودی اش به تعین شکوفایی جامعه پذیری و ارزش های فرامادی مستعد می گرداند و او خود را در انتظار وسواواری چیزی فراتر از مقتضیات ساختاری و والاتراز تکلیف متعارف روز مرگی می یابد. ارزش ها، زیباشناسی، اخلاق، قانون و دین از طریق سبک های زندگی مادر میدان و جغرافیای رابطه ساختار-کنشگر موضوعیت پیدا می کنند و استقرار می یابند یکی از نقاط استقرار گزینه بدیل است.

از نظر گاه مورد بحث این نوشته گزینه بدیل فهم عمیق و همدلانه و خلاقانه ای از موقعیت، مجموعه هنجارها و ارزشها و تعهدات مورد قبول گروه اجتماعی است که پیشایند خرد و هنر تصمیم گیری است. ادراک محیطی مثبت و ایجابی و انتظارات و وابستگی متقابل کنشگر فردی (توأم با انصاف و عدالت و در نتیجه رضامندی) و من فاعلی/کنشگر یا من فعال و نقش اکتسابی و کوش آورد و یک گام پیشتر: "نقش تحقق یافته" و خودمدیریتی اودر مقایسه بانقش انتسابی اش پررنگتر است.

مفروض است که ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا یکطرفه، خاص گرایانه، جزمی و تهاجمی چون در "فرایند" اتخاذ میانجیگری اجتماعی و تجمیع خواسته های ذی نفعان و کنشگران شکل نمی گیرند، به اختلال در سازه های فرامادی، جزم باوری و خشکی و بی روحی ساختارها، می انجامد. به این ترتیب بارز ترین ممیزه ها و مفروضات ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا گاه به لحاظ نظری هم مغالطه آمیز یا متناقض اند. مناقشه ساز ترین و چالش برانگیزترین وجوه و لایه های حوزه عمل، عبارت اند از:

-جهت گیری تحصیلگرایانه (پوزیتیویستی، ساختارهای قالبی دو پایه /دوگانی عین و ذهن، و مایه غلیظ علم،

-جهت گیری فن سالارانه، دیوان سالارانه، تحلیل گرایانه با روش شناسی علوم طبیعی و کاربردی علوم پایه و عمل فناوری)،

تصرف -دستاموزگری و کنترل بر افکار و احساسات و رفتار (تمایل تحصیلگرایانه در رویکرد شناختی)،

-تمایل عقل گرایانه (به معنی تحمیل مقولات پیشینی ذهنی، تصورات، صورت ها و قالب ها)

ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا یک بعدی است اما آثار چندبعدی دارد. فرهنگ شامل گفتمان، نقشه بازنمایی، کنش، معیارها، بیان و ابراز عواطف است. علم نظام خاص بازنمایی و فناوری نظام مبتنی بر عمل-علم است. فناوری و علم گرچه بخشی از فرهنگ اند اما می توانند موجب تاخر یا پسا هنجاری و حتی تعارض فرهنگی نیز باشند. در ادبیات مربوط آمده است که "...در اینگونه مداخلات به "علم" فناوری^۵ توجه شده اما از دیسپلین و معرفت غفلت ورزیده اند" (سازمان ملل^۵، ۱۹۸۷). با دیسپلینی به نام خرد و هنر تصمیم گیری، قرار است از این غفلت رها شویم.

بررسی آثار ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا در زیست جهان کنشگران و هویت ها و زمینه های تحقیقی و ارزشیابی از پیچیدگی رابطه سازه های مادی و فرامادی و تنوع و کثرت انتظارات ذی نفعان خبر می دهد. جغرافیا و بستر اصلی کیفیت ها و سازه ها در مفهوم تعامل سازنده بین نظم و تغییر رابطه ساختار-کنشگر بازنمایی می شود. پاره ای از این عناوین، کیفیت ها و سازه ها از این قرارند: برنامه ریزی علمی-فنی و رویکرد غیر علمی غیر فنی، توسعه پایدار و پایداری اجتماعی، برنامه ریزی توافقی در برابر رویکرد سیاسی قدرت-مدارانه، برنامه با پایه ها و هسته های مشترک، کیفیت زندگی، آمایش سرزمین، آمایش فرهنگی، رویکرد فرا اقتصادی، استانداردها و ایزو، سیاستگذاری، ساماندهی، وظایف حاکمیتی، وظایف حکومتی، پاسخگویی و شفافیت، دولت مدیریتی، ظرفیت سازی، توانمندسازی، اقتصاد دانش-بنیان، اقتصاد سبز، پساتوسعه، طرحهای ESHA، ضد اقتصاد، سند چشم انداز، و طرحهای ارزیابی تأثیر

¹ Hardline policy

² Ethics of care

³ Flow

⁴ Peak

⁵ Guidelines for Development Untied Nations

اجتماعی S.I.A، H.S.E.Q، پیوست اجتماعی طرحها، پیوست فرهنگی طرح ها....

پیام اساسی تجارب و ایده های فوق این است که: برخلاف دلالت های ساختار سازمانی منحصراً وظیفه گرا مداخله انسان ها لزوماً مشروع و موفقیت آمیز نیست و با آنکه اعترافی هست که همه چیز را در مورد انسان و جهان نمی دانیم اما تصمیم گیری/مدیریت ها و تکنوکرات های خودشیفته تصمیم های قاطع میانبر می گیرند که خطاست. روند تکاملی صیانت گرایی، اخلاق زمین، بوم شناسی عمیق، نیک نگهداری، اکوفمینیزم ارزشهای خرد و هنر تصمیم گیری هماهنگی و اقدام مشترک /عمل، آگاهی و انسان را مهیا می سازد.. انسان ها منفعل و قالبی نیستند. جهان و دیگران تغییرپذیرند اما نه آنچنانکه دلخواه ماست. آن ها چون خمیر شکل پذیر در دستان ما نیستند.

میزان موفقیت یک کنشگر، مربوط است به انگیزه و توانایی در ایجاد و گسترش هماهنگی اجتماعی و روانشناختی. عمل و آگاهی با این هماهنگی میان تجربه و آگاهی و هماهنگی بین ارتباط و آگاهی و پرشور زندگی می کند. چنین کنشگری، برخلاف خودشیفتگان اضطراب شکست ندارد پس می تواند غیرتهاجمی و غیر مخرب عمل کند.

بحث و نتایج

اگر عمل در تجربه زیسته و زیست جهان عاملان و حاملان آن به وسیله نیروهای اجتماعی موجود و نیروهای فرهنگی موجود تولید شود و خرد و هنر تصمیم گیری نسبت به نشانگان فرهنگی، طرحواره های فرهنگی، سنت، دین، عرف و زمینه های عدالت میان نسلی، عدالت رویه ای، توزیعی و... متصل باشد با " خرد و هنر تصمیم گیری " به "ابداع سنت" و بازسازی مبتکرانه می توان پرداخت. و این استمرار اگر با نگاه به آفاق وفاق جامعه، عمل دانشگران، نیروی خودجوش^۱ اجتماعی و مردمی و همدلی دولتها و فرصت های ارزشیابی بدیل ها و بازخورد کارآمد همراه باشد، امیدتوفیق دارد. مفروض این است که نخبگان علمی از جمله دانشگران و کنشگران آموزش عالی تلفیق علم و عمل هم ببینند. انتظار این است که در حالت ایده آل (و البته اتوپیا) دانشگاه و فرد دانشگاهی^۲، فرایند تفکر و کنش دانشگرانه برای فهم پیچیدگی ها و به هنگام مواجهه با مسائل، تعقل در داوری کردن، توانایی بررسی مداوم اهداف/آرمان ها و روش ها و نتایج و کیفیت ها، بهترین چیدمان، نظم در موضوعات پیچیده، روشن اندیشی با خرد و هنر تصمیم گیری تلفیق شود.

خطای شناختی می تواند در عرصه کنش مداخله به یکسان انگاشتن نظم یکجانبه مکانیکی با نظم و وفاق رابطه ساختار-کنشگری، و همگرا، و در عرصه انسانی به تلقی از انسان به مثابه ارگانیسم مستعد دست آموزگری یا سزاوار و مستعد آن بیانجامد. نتیجه تحریف و خطای شناختی بی توجهی به منطق کائنات و جهان معرفت و دانش و مطالبات و چشم اندازهای دیگران و همه ذی نفعان است. برایان فی می نویسد: "...به فشارهای داخلی، مقاومت، درگیری و ناتوانی مرکز برای کنترل و تثبیت پیرامون توجه کنید و از این رهگذر ابهام و تناقض و تضاد را در همه جا ببینید" (فی^۳، ترجمه دیهیمی، ۱۳۸۱).

به زبان کمی جلوگیری از استهلاک سرمایه طبیعی (و سرمایه های دیگر هم به اعتباری طبیعی اند)، از راه کاهش بیگانگی با جهان و تقویت رویکرد و الگوهای مولد و میانجیگری اجتماعی در فرهنگ صورت می گیرد. یک راهبرد کارآمد باید با بهره مندی از هرمنوتیک مضاعف، به سوی هستی اجتماعی واقعاً موجود و ممکن نه - لزوماً هستی "کامل" کنش - جهت گیری شده باشد.

برای تعیین هدف های کلی رابطه ساختار-کنشگر امکان سنجی و نیاز سنجی ترکیبی صورت می گیرد زیرا روند تکاملی حفظ تعامل عمل و نظر و تجویز های مربوط نیز مانند نگرش به کیفیت زندگی و متغیرهای مربوط بوده است.. مثلاً حرکتی به سوی بوم شناسی (اکولوژی) مسئولانه آغاز شده و گسترش یافته است که عناصر آن فهم و نقد و ارتقای الگوهای اجتماعی رایج و مسلط است (راد، ۱۳۸۳؛ جانفرسا، ۱۳۷۶؛ خوانساری، ۱۳۷۹؛ محمدی، فاضل، صفایی ۱۳۷۹). مؤلفه شور و عشق و آزادی امکان شناوری و گردش آزاد در ابعاد هستی و انسان را فراهم می آورد. مؤلفه سادگی دریافت و رضایت و حتی لذت بی واسطه و ارتباطات مطلوب (در عاملان و حاملان و دریافت کنندگان) را تامین می کند.

درک معنوی توانایی لذت بردن از رمز گشودن و نمادسازی خرد و هنر تصمیم گیری و غیر مکانیکی است. خرد و هنر تصمیم گیری روایتی بین

¹ Autotelic

² Homo academicus

³ Berian Fey

الاذهانی متکثر و چندآوایی^۱، از ادراک محیطی^۲، ارتباط و امر کیفی، و رهایی از تک معنایی دارد و باتکیه به امکان انتزاع فردیت روان شناختی از جمله سبک‌های معنویت و معنا بخشی به زندگی راهی به سوی فهم منظر مشترک می‌گشاید. خرد و هنر تصمیم‌گیری نوری بر گزینه‌های نوین شهودی متنوع می‌تاباند که امکانات انسان به نسبت وسعت جغرافیا و قلمرو عمق او رها و آزاد می‌شود.

در فرایند کوشش جمعی و توافقی، برای همسوسازی رویکرد هنجاری یا تجویزی بایک رویکرد توصیفی و واقعی نیاز به تصریح جهت‌گیری معنوی داریم. به نظر نگارنده این روش با تاکید بر راه حل‌های بدیل، ارتباط-محور و وفاق جویانه به حدس فرهیخته وار^۳ راه می‌برد که پیشرفته‌تر و زاینده‌تر از الگوهای سمانتیک و ترسیم‌کننده حدود حفظ سنن هم هست. در روش شناسی مطالعه، نگاه توسعی^۴، دیالکتیک چند روشی، فهم ایجابی از نیازها و رهایی از نظام تک معنایی و سازمان یافته ضروری است. نظریه هم با حرکت پسرورنده و هم با حرکت پیش رونده رشد می‌کند. و پژوهشگر "کنش انتخاب‌گرانه"^۵ دارد. رویکردهای کیفی مابعد اثبات‌گرایند و کنشهای انسان را پیش ساخته ارزشیابی نمی‌کنند. حفظ و ارتقای سازه‌های فرامادی و تجدید مداوم سنن و جلوگیری از استهلاک و زوال سرمایه طبیعی به رویکرد کیفی^۶ و خرد و هنر تصمیم‌گیری نیاز دارد.

از روش‌های کمی و استاندارد و اتیک، گریزی نیست اما در افق این نوشته، آنها کارکرد "کارراهگی"^۷ دارند و کارکرد "کاربنی"^۸ ندارند. فرانظریه رابطه کیفی سازه‌های مادی با سازه‌های فرامادی نیازهای پیچیده و چندلایه است که تنها با "علم" قابل شناخت و ارزیابی نیست و به رویکرد چند منطقی، حکمت، فرهیختگی، دانایی و معارف و خرد و هنر تصمیم‌گیری‌ها باید امید داشت. پدیدارشناسی می‌تواند تفاوت نظم مکانیکی و نظم و وفاق برآمدنی^۹ و نه پیش ساخته را روشن سازد.^{۱۰}

زاویه نگاه نگارنده این است که برای نزدیک شدن به یک فرانظریه کارآمد، ساختاریابی و دیدگاه انتقادی با دیدگاه ساختار سازی (یا بر ساخت گرای) و نیز نظریه ساختار - کنشگر و به تناسب با تاملات فرهنگی، تاریخی، و خرد و هنر تصمیم‌گیری ترکیب شود. گیدنز می‌نویسد: "... هشدار مهم جامعه‌شناسی امروز این است که ذهن پژوهشگر را از تصویرهایی که جامعه را تحت سیطره نظم مطلق نشان می‌دهد، رها کند و نشان دهد که انسان مخلوق جامعه نیست، خالق آن است" (کلمن، ۱۳۷۷، ۱).

برای پیوند خرد و هنر تصمیم‌گیری، با فرهنگ عرصه عمومی بینش، و اقدام مشترک در چارچوب "اقتصاد یادگیرنده" ضرورت دارد: ۱- رویکرد مردمی و دموکراتیک ۲- عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر ۳- عدم خشونت ۴- عدم تمرکز ۵- اقتصاد مبتنی بر جامعه ۶- عدالت اقتصادی / و عدالت اقتصادی ۷- احترام به تنوع زیستی- فرهنگی- اجتماعی ۸- مسئولیت شخصی و کلی ۹- فرایند آینده‌نگرانه ۱۰- پایداری (برگرفته از سایت gp.org).

روش شناسی مداخله در فرهنگ و کنش انسانی در چارچوبی با هدف عاملیت و آزادی و مسئولیت کنشگران فردی، سازمانی و اجتماعی (کنشگران چند فرهنگی) است. این ترکیبی است از روایت فرد از هویت‌ها، تمایز یافتگی، مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، و امکان تفکر انتقادی. انسان‌ها با تحرک ایجابی و رویکرد چاره‌گرانه و ارتباط جویانه و وفاق-محور کنش‌آفرینی خواهند کرد و دیگر مستعد و مستحق اجبار، فریب، تسطیح هویت و دست‌آموزگری تلقی نمی‌شوند. در این مسیر آنان به معنا، فراروندگی، دانش و مهارت‌های لازم برای خرد و هنر تصمیم‌گیری و اعتماد، ارکان سرمایه‌ی اجتماعی

¹ Polyphony

² Environmental perception
Educated guess³

⁴ Explanatory approach

⁵ نگارنده این ترکیب را معادل Abduction پیشنهاد می‌کند.

⁶ Glaser and Strauss: Developing Grounded Theory: faculty.babson.edu/krollag/org_site/craft_articles/glaser_strauss.html درباره رویکرد کیفی

⁷ نگارنده این ترکیب را معادل "طریقت" ساخته است.

⁸ نگارنده این ترکیب را معادل "موضوعیت" ساخته است.

⁹ Emergent

¹⁰ کنشگران از همگرا سازی و تلائم تغییر و نظم آن‌ها را "از آن خود می‌کنند" و این برای آنان رضایت بخش است.

¹¹ James Kelman

روابط، اعتماد، تعهدات، شبکه اطلاعات نیاز دارند.

سازه های پیچیده بی نظم و "اشوبناک"، تغییر مستمر، "قص تغییر"، پویایی و عدم قطعیت نیز نظمی نهان یا حداقل چندگانه و گاه تفریدی^۱ دارد. برای حل مساله پیچیدگی راه های استفاده از داده های بزرگ^۲، ماورای داده^۳، داده کاوی^۴ آموخته می شود. تنوع صور و سبک های حیات و هوش مصنوعی (هوش مصنوعی اگر استعاره گمراه کننده ای نباشد الگوبرداری یک بعدی از هوش طبیعت است) و راه حصول این داده ها برای مدیریت انسانی و اخلاقی پدیده های انسانی سخت باریک است.

در واقع این پیچیدگی را، افزون بر کاربرد این تکنیک ها، خبرگی و ارتباطات مطلوب عاملان است که بر حسب موقعیت می گشاید و برای بهسازی و تغییر قواعد آن به کار ابداع و ساختار سازی و امتزاج و ارتباط افق ها و وفای بر می آید. هر رویکرد اقدام و عمل و رابطه ساختار-کنشگری باید از دیدی کیفی کاربردی و بیرونی سازی ارزش ها نیز ارزیابی شود. این کنش ها اگر با اخلاق همپیوند نباشند ناگزیر برای باز تولید سودپرستانه، مقلدانه و نه مبتکرانه^۵ دیگری^۶ و تعارض افزایی آمادگی دارند.

کرامت انسانی و فطرت و نفاس حیات و پایداری اجتماعی در گرو التزام متین و جدی و مسئولانه به حقوق گروه های خاموش و طرد شده^۷ (کودکان کار، گروه ها و مردم مسکنت زده^۸، دختران و زنان محروم و...) و عدالت میان-نسلی و عدالت جنسیتی است. سیرینواس مینویسد: تفاهم با سازه مهمی به نام شراکت که گویاتر و الهام بخش تر از مشارکت است و با "اداره بهتر امور" و برانگیختن باورها و سروکار دارد. به گفته یکی از پژوهشگران: "...اصل آهین منافع شخصی را تغییر دهیم و به جای تأمین منافع آنی خود، به تحقق منافع نسل هایمان و بقای نوع بشر بپردازیم" (زاهدی، ۱۳۷۶). ماکس وبر در ربع اول قرن بیستم از عقلانیت روشنفکرانه^۹ علاوه بر عقلانیت ابزاری و عقلانیت ارتباطی سخت گفته بود (هانیکان^{۱۰}، ۱۳۹۲). به تعبیری با حفظ فاصله ای از عینی گرایان و واقع گرایان از سویی و در واقع گرایان یا ساختار-سازان اجتماعی افراطی از سوی دیگر، "معارف" -از جمله معارف مربوط به شرایط عینی- محصول کنش متقابل اجتماعی است. یعنی بر ساخت اجتماعی است^{۱۱} (رابینگتون، واینبرگ، ۱۳۸۲) در متنی دیگر اصطلاح عقلانیت متراکم ژاپنی ها را که عقلانیت ذاتی، ابزاری و محتوایی و ارتباطی را در بر می گیرد، مفهوم سازی می شود (ریتزر، ۱۳۷۴). همین نویسنده از مدرنیته متفکرانه و باز اندیشانه سخن می گوید که توانایی برون رفت از تنگناهاست. صاحب نظر دیگری می نویسد: منظور از "سرمایه اجتماعی" جنبه ای از سرمایه انسانی است که گروهی از وابستگی های متقابل میان افراد را توصیف می کند که از ساختار اجتماع ناشی می شوند^{۱۲} (کلمن، ۱۳۷۷). سرمایه اجتماعی نشانه توجه مشخص به بعد فرامادی و مجموعه هنجارها و ارزشها و تعهدات مورد قبول گروه اجتماعی است.

بررسی امکان عمل موجه و مطلوب

چگونه می توان معضلات درهم تنیده و حتی فرامرزی^{۱۳} رابطه ساختار-کنشگری را با حق و منافع کنشگری مؤثر و پرشور کنشگران پیوند داد تا از فقر الگو، روزمرگی و انجماد ساختارها بتوان رهش داشت؟ همه چیز را در مورد جهان و انسان نمی دانیم و تواضع از خردمندی است. مفروض نوشته این است که عمل به معنای تجربه زیسته و زیست جهان عاملان و حاملان آن به وسیله ارزش های اخلاقی نیروهای اجتماعی موجود و نیروهای فرهنگی موجود، تولید شود و خود را بازسازی مبتکرانه کند و با خرد و هنر تصمیم گیری حتی به "ابداع سنت" برآید. می توان از برخی دو انگاری های زیانبار رایج مانند کهنه و نو و گذشته و حال اجتناب کرد. برایان فی می نویسد: "دو انگاری ها این امکان را نمی

¹ Ideographic

² Mega data

³ Meta data

⁴ Data mining

⁵ Otherness

⁶ Muted /excluded groups

⁷ Miserable

⁸ Intellectual rationality

⁹ Hannigan

¹⁰ Transactional

دهد که هریک از دوطرف تقابل رانیاژمند و مکملان طرف مقابل فرضی بدانیم " (فی، ۱۳۸۱) گذشته و حال در هم می آمیزند" (فی، ۱۳۸۱). برای غنای خرد و هنر تصمیم گیری، ضروری است که به گسترش امکان "وضعیت کلامی مطلوب" برای برنامه ریزی تعاملی یاری کرد. در مسیر تصحیح و تنظیم و ترمیم مداوم رابطه عمل و نظر، دل و مغزو همت و دست و مجموعه ها از جمله بدنه کنشگر فردی، اجتماعی و سازمانی و گاه فرامرزی همسو شوند. رابطه ابعاد مادی و ابعاد فرامادی امر اجتماعی و از جمله خرد و هنر تصمیم گیری، خط سیر سراسر است و مکانیکی ندارد. انتظارات از ارزش های آزادی و اختیار کنشگری، رنگی از آرمانها و عشق رویا پردازانه دارد که گاه نیازمند فراتر رفتن از مشهورات و مسلمات و ارزش های خاص گرایانه، جزمی و گاه اتهام کم خردی و جنون و گاه جاه طلبی های شیداگونه و خاص گرایانه هم بوده است. در جامعه شناسی هم به زبان ارتباط - محور از "نواحی مرزی"، نقاط اصطکاک و تعارض و ابهام سخن گفته اند

فرسایش سرمایه اجتماعی، فرسایش آب و خاک و جنگل و زمین خواری، کوه خواری و دریا خواری آسیبی دامن گستر و نمونه ملموس ناپسندگی و ناکارآمدی ساختار سازمانی منحصرا وظیفه گرا است که به بحران تبدیل می شود. ایران را با وام گیری از مبتکر اصطلاح یا نظریه "جامعه کوتاه مدت" نامیده اند که شاید از تراکم کارکردهای (گاه ناخواسته) ساختار منحصرا وظیفه گرای بوروکراسی است که در محیط شهری باغلبه اموراداری و اجرایی - و رانت جویی - بر جریان تولید و صنعت، علوم، آموزش، پژوهش و ارزشیابی و در محیط طبیعی با تخریب و نفرین طبیعت می تواند مستعد آسیب باشد. برخورداری از امکانات مادی مثلا منابع انرژی آسان یاب و رایگان ممکن است وضعی وارونه و خلاف انتظار اولیه پدید آید منابع به موانع تبدیل شوند! مثلا گزارش "نفرین منابع نفتی" و رانتجویی" در ۱۶ کشور نفتخیز "از توزیع غیر عادلانه درآمد و کارآیی کمتر خبر داده اند (رحمانی، گلستانی، معیدفرو حاضری، ۱۳۹۰). نظریه نفرین منابع از ژوزف استیگلیتز^۲، به شناخت این چگونگی و وارونگی کمک می کند (بر گرفته از ideas.repec.org).

نتیجه گیری

اقتصاد یادگیرنده نیز راه حل هایی است که از آن ها معمولا سخن می رود می تواند بخشی از خرد و هنر تصمیم گیری و همسوبا رابطه هم افزا بین ساختار - کنشگر و برنامه ریزی تعاملی باشند؛ حتی عزم حاکمیتی بدون جلب اعتماد عمومی استوار و توافقی نتایج پایدار به دست نمی دهد. جنبه های فرامرزی و فناوری های نوین و ارتباطات مجازی، حقوق بین الملل، حق جهانی کار و حقوق بشر را تحت تاثیر قرار می دهند بر رابطه ساختار - کنشگر اثر گذارند. برای خرد و هنر تصمیم گیری، روابط پراعماد، در شبکه اطلاعات و مهمترین شاخص سرمایه اجتماعی اعتماد؛ باور به استقلال پرشور فرد در عین توجه به سرمایه روان شناختی او، اقبال به میدان عمل، ضروری است. هماهنگی و جهت دادن روابط اجتماعی به سوی جامعه مهربان، و پرهیز از اکتفا به راه حل های صرفا تکنوکراتیک، دیوانسالارانه و سرمایه طلب، از مسیر ارزش های ساختار - کنشگر، شدنی است. با خرد و هنر تصمیم گیری ترکیب عمل و نظر و کنش رسمی و آشکار، دانش ضمنی و پنهان موقعیت سرشار از اعتماد و مشارکت و امکان گره گشایی و تعریض ساختارها فراهم می آید. پژوهش دانشگاهی در مسئله تفاهم عالمانه و رویکرد برنامه ریزی تعاملی با یاری خرد و هنر تصمیم گیری در کنار روش شناسی کلاسیک و احیانا محافظه کارانه، شاید ظرفیتی هم دارد که راه حل های از جنس دانایی و "حکمت" دانش ضمنی و پنهان بومی، فناوری سبز، را چهره جوانی ببخشد.

متأسفانه تصمیم گیری / مدیریت فن^۱ شیفته تکنوکرات یکسونگر گاه از منتقدان خود سلب صلاحیت و مشروعیت می کند و "معصومانه" از مسئولیت تن می زنند. در واقع عقل صوری / ابزار و هدفمند^۲ است که عقلانیت ارزشی را سرکوب می کند. علوم انسانی و رشته های تربیتی، دانشگاه و

^۱ برایان فی در مورد نواحی مرزی می نویسد: ...جوامع را به صورت جوهرهایی یک دست و یکپارچه در نظر نگیرید که از یکدیگر جدا افتاده باشند همچنین دیگران را به صورت اعضای یک فرهنگ یا گروه خاص در نظر نگیرید. بر نواحی مرزی متمرکز شوید، چرا که در آنها مردم مختلف با یکدیگر اصطکاک دارند و به همین دلیل تغییر می یابند. به فشارهای داخلی، مقاومت، درگیری و ناتوانی مرکز برای کنترل و تثبیت پیرامون توجه کنید و از این رهگذر ابهام و تناقض و تضاد را در همه جا ببینید (فی، ۱۴۰۰).

^۲ Stiglitz, Geoseph برنده جایزه نوبل اقتصاد

^۳ هدف مندی یعنی با هدف سود بیشتر

روشنفکران کمک کنند تا مهندسی های رایج علم را به ایده ثولوژی محتوم تنزل ندهند و از جمله توسعه و ترقی را به مسئله فنی-مهندسی تقلیل نیابد.

حمایت از سوگیری سبک های مدیریتی در روابط اجتماعی به سوی عقلانیت ارزشی/ محتوایی و ارتباطی و جامعه و تمدنی مهربان، شورهنرمندانه و صبوری و تاب آوری برای تصمیم گیری هنرمندانه و خردمندانه ضرورت دارد. گیسون موریل و گارت مورگان ازفاشیسم مدیریتی، پرستش فناوری به صورت عامل رهایی بخش، تخریف ارتباطاتی در زبان زندگی سازمانی، قواعد و نظام های کنترل بر کنش، ساز و کارهایی که پذیرش نقشها، دستور ها و زبان محیط های کاری را عادی می سازد سخن گفته اند (ترجمه نوروزی، سمت، ۱۳۸۶).

رویکردهایی که توسعه و ترقی را به مسئله و عمل فنی-مهندسی تقلیل داده اند، ویا رویکردی که مدیریت را در چنبره "سرمایه اجتماعی تاریک" مخدوش و کاریکاتوری میکنند و فقر الگو پدیدمی آورند، باز شناسی و واکاوی بایدکرد. اولین علامت موفق نبودن، مولد نبودن اندیشه در تولید کیفیت های یادشده، تصمیمگیری/مدیریت فن شیفته و اکتفا به رویکرد سخت افزاری است. این وضعیت سبب تکرار و باز تولید فقر الگو می گردد. تقلیل گرایی و فقر الگو در شرایط اقتصادی و فرهنگی نا مولد، صورت ناکارآمد و آسیب زا تری به خود می گیرد و از این رو نگارنده آن را نشانه و "سندرم مصرفزدگی" می نامد. در مقابل آن خرد و هنر تصمیم گیری به روش مولد، ایجابی وعاشقانه و مناظروارگی^۲ امکان سنجی نسبت به پدیده های عمل توسط خبرگان، محرومان وحاشیه نشینان، ومتخصصان و شهود هم اندیشان و امتزاج و ارتباط افق های واگرا و همگرایی گروههای ذینفعان و سرانجام، نقد توسعه ایجابی همدلانه وازجمله نقد هنرمندانه ژرفانگرانه فرایندهای ساختار-کشگر، محتوای بدیل ها وحرکت به سوی وفاق وهم افزایی ازمحاق برون می آید). ارتباطات، مباحث میان رشته ای، اقتصاد عدالت پایه و رابطه آن با اقتصاد یادگیرنده یا آخرین نسل دانش بنیان، رویکردهای بهبودگرا و تهذیب^۳- محور عدالت، حقوق کودکان و عدالت میان-نسلی (و گنجاندن آن در قانون اساسی)، در کنار مقولات فنی، از اهم مضامین تسهیل امکان خرد و هنر تصمیم گیری اند.^۴

منابع

- اسکات، دیوید (۱۳۸۳). **رنالیسم و پژوهش تربیتی**، ترجمه شعبانی ورکی وشجاع رضوی، آستان قدس، تهران، ص ۱-
اسمیت، آلفردجی (۱۳۷۹). **ارتباطات و فرهنگ**، ترجمه مهدی بابایی، سمت، تهران .
برک، پیتر (۱۳۸۱) **تاریخ و نظریه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، دانشگاه تهران، تهران، ص ۸، ۳.
بوریل گیسون و گارت مورگان، **نظریه های کلان جامعه شناختی وتجزیه و تحلیل سازمان**، ترجمه محمدتقی نوروزی، سمت، ۱۳۸۶)..
جاودانی حمید (۱۳۹۲)، **سیاست پژوهی** تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش و برنامه ریزی.
خوانساری نعمت الله (۱۳۷۹)، فناوری زیستی و ایمنی زیستی، سازمان محیط زیست، تهران. {تعداد صفحات ۱۳۰}
داگلاس، آلفرد (۱۳۶۲)، **بی چینی یا کتاب تقدیرات**، ترجمه سودابه فضایی. نشر نقره.
رایبنگتون، ارل. واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲) **رویکردهای نظری هفتگانه در مسائل اجتماعی**، ترجمه رحمت اله صدیق سروسنایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص ۲۵۷. {تعداد صفحات ۳۱۷}
رحمانی تیمور و ماندانا گلستانی، سعید معیدفر وعلی محمد حاضری (۱۳۹۰) "تحلیلی از منابع نفتی وراثت جویی برتوزیع درآمد در کشورهای منتخب نفتخیز"، **دوفصلنامه مسایل اجتماعی ایران**، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) سال دوم .
ریتزر، جرج (۱۳۷۴)، **بنیان های جامعه شناختی**. ترجمه تقی آزاد ارمکی، نشر سیمرغ، تهران.
زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۶). "توسعه پایدار و اصل آهنبین منافع شخصی"، **مدیریت وتوسعه** دوره ۱۱ شماره ۳، ۳.
جانفرسا مجید، سید محسن مومن (۱۳۷۶)، **استانداردهای سیستم مدیریت زیست محیطی**، انتشارات اخوان، تهران.

¹ Dark social capital

^۲ Perspectivity نگارنده منظروارگی را معادل این واژه پیشنهاد کرده است:

³ edification

^۴ دوره آموزشی که نگارنده به نام "صلح و محیط زیست" در مرکز گفتگوی تمدنها سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ راه اندازی و تدریس کرد.

- فی، برایان (۱۳۸۱) **فلسفه امروزین علوم اجتماعی**، ترجمه خشایار دیهیمی، طرح نو، تهران، ص ۳۸۸، ۳۲۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) **اقتصاد و جامعه و فرهنگ در عصر اطلاعات**، ترجمه اعدلی قلیان و افشین خاکباز ، طرح نو، تهران.
- کلن، جیمز (۱۳۷۷) **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ص ۴۶۴.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ص ۷۶۷.
- راد کلیفت، مایکل (۱۳۸۳) **توسعه پایدار**، ترجمه حسین نیر، وزارت کشاورزی، معاونت طرح و برنامه، تهران.
- محسنی، نیک چهره (۱۳۸۷) از روانشناسی بین فرهنگی تا روانشناسی فرهنگی، **مجله روانشناسی و علوم تربیتی**، دانشگاه تهران، دوره جدید: شماره یک.
- محمدی فاضل اصغر ، صفایی محمد (۱۳۷۹) **ارزش جهانی تنوع زیستی**، سازمان محیط زیست، تهران.
- مسکویه، احمد بن محمد. تجارب الامم (۱۳۶۸)، ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: سروش.
- هانیکان، جان (۱۳۹۲)، **جامعه شناسی محیط زیست** ، ترجمه موسی عنبری، انور محمدی، میلاد رستمی انتشارات دانشگاه تهران، تهران. تعداد صفحات: ۲۷۵.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۳) "پرسش از تکنولوژی"، ترجمه: شاپور اعتماد، فصلنامه ارغنون، تهران . ۱-۳.
- هریسون لارنس، ساموئل هانتینگتون (۱۳۸۳) **اهمیت فرهنگ**، مترجم گروه ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران ، امیرکبیر، تهران.
- شعبانی ورکی، بختیار (۱۳۸۶) **رنالسیسم استعلایی و ثنویت کاذب در پژوهش تربیتی** ، نوآوری های آموزشی ۲ .
- میرسپاسی علی (۱۳۹۲) ، **دموکراسی یا حقیقت** ، انتشارات طرح نو ، تهران .
- ایروانی، محمود و باقریان، فاطمه (۱۳۸۳)، **شناخت اجتماعی روان شناسی اجتماعی**، نشر :ساوالان تهران .
- دوچ مورتن ؛ روبرت م. کراوس (۱۳۷۴) **نظریه هادر روانشناسی اجتماعی** ترجمه: مرتضی کتبی ، دانشگاه تهران موسسه انتشارات و چاپ، تهران .
- کتب توسعه و مدیریت

Untied Nations (1987), Guidelines for Development, Planning: Procedures:, Methods and Techniques. NewYork.

Popper, R.K.(1971) The Open Society and Its Enemies, New Jersey: Princeton Univ.

Sztompka, <http://www.grade.org/rem/mire-than.html>

Pitury(1999), Trust a Sociological Theory, Cambridge, Cambridge, University Press.

Willard, C.A, (1992) Liberalism and the Social Grounds of Knowledge, Chicago: Univ. of Chicago Press

<http://www.grade.org/rem/mire-than.html> .

<http://www.au.reachout.com/What-is-spirituality> Target

<http://www.grammar.about.com/od/tz/g/targetdomainterm.htm>

ideas.repec.org/e/pst33.html

Developing Grounded Theory:

http://www.faculty.babson.edu/krollag/org_site/craft_articles/glaser_strauss.htm

<http://www.gp.org/committees/platform/2010/introduction.php>

<http://www.jamara.ir>